

legal and Jurisprudential Investigation of Support and Inheritance of a Child Resulting from a Donated Egg

Malihe Sadat Hoseyni¹, AhmadReza Khazaei^{2*}, Ebrahim Yaqouti³

1 .PhD student Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2 .Associate Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran: (corresponding author).

3. Associate Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 551-566

Article history:

Received: 1 Jul 2021

Edition: 10 Aug 2021

Accepted: 2 Oct 2021

Published online: 25 Dec 2021

Keywords:

Child Support, Inheritance, Child, Donated Egg.

Corresponding Author:

Ahmadreza Khazaei

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law.

Orchid Code:

0000-0003-3137-0496

Tel:

09124354998

Email:

dr.khazaei46@yahoo.com

ABSTRACT

Background & Objective: One of the methods of artificial reproduction is egg donation, which has its own jurisprudential and legal aspects. In this paper, an attempt is made to investigate the alimony and inheritance of a child resulting from the donated egg.

Materials & Methods: The present paper is descriptive and analytical, and library method is used.

Ethical Considerations: In this paper, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness are observed.

Findings: Findings of the research indicate that from the point of view of jurisprudence and law, there is only a relationship of descent and therefore inheritance between the owner of the egg and the child resulting from the donated egg, and it is not possible to establish a relationship of descent and therefore inheritance between the owner of the uterus and the child resulting from the donated egg. The relationship of inheritance is established on the one hand between the child and the father and on the other hand between the child and the mother who owns the egg, just as the child is attached to the owner of the sperm, the embryo should also be attributed to the owner of the egg, even though she did not grow the child in her body and did not give birth to the child, but she is the mother of the child. Child support is also the responsibility of the couple applying for donated eggs.

Conclusion: Since from the point of view of jurisprudence and legal rights, each person's lineage and inheritance is defined based on their genetic relationship with their parents, and the sperm belongs to the applicant's husband, but the egg is received from a third party, so a kind of duality and unrelatedness of gamete owners is created, which is considered an important challenge in Iran's legal system.

Cite this article as:

Hoseyni MS, Khazaei AR, Yaqouti E. legal and Jurisprudential Investigation of Support and Inheritance of a Child Resulting from a Donated Egg. 2022.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

بررسی فقهی حقوقی نفقه و ارث کودک حاصل از تخمک اهدایی

ملیحه سادات حسینی^۱، احمدرضا خزایی^{۲*}، ابراهیم یاقوتی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از روش‌های باروری مصنوعی اهدای تخمک است که دارای ابعاد فقهی و حقوقی خاص خود است. در این مقاله تلاش شده است تا مسئله نفقه و ارث کودک حاصل از تخمک اهدایی بررسی شود.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات آن از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق چنین است که از منظر فقه و حقوق صرفاً بین صاحب تخمک و کودک حاصل از تخمک اهدایی رابطه نسب و ارث برقرار است و نمی‌توان میان صاحب رحم و کودک حاصل از تخمک اهدایی رابطه نسب و در نتیجه توارث قائل شد. رابطه توارث از یک‌سو بین طفل و پدر حکمی و از طرف دیگر بین طفل و مادر صاحب تخمک برقرار است؛ همان‌طور که کودک ملحق به صاحب اسپرم است، بی‌تردید باید جنین را به صاحب تخمک نیز منتسب دانست. هرچند وی کودک را در بدن خویش پرورش نداده است و نژائیده است؛ مادر کودک است. نفقه کودک نیز بر عهده زوج متقاضی تخمک اهدایی است.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه از منظر فقه و حقوق نسب و ارث هر شخص بر پایه ارتباط ژنتیکی او با والدینش تعریف می‌شود و اسپرم متعلق به شوهر زن متقاضی است؛ اما تخمک از شخص ثالث دریافت می‌شود؛ بنابراین نوعی دوگانگی و بی‌ارتباط بودن صاحبان گامت ایجاد می‌شود که چالشی مهم در نظام حقوقی ایران محسوب می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۵۱-۵۶۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

واژگان کلیدی:

نفقه، ارث، کودک، تخمک اهدایی.

نویسنده مسئول:

احمدرضا خزایی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

۰۹۱۲۴۳۵۴۹۹۸

کد ارکید:

0000-0003-3137-0496

پست الکترونیک:

dr.khazaei46@yahoo.com

۱. مقدمه

اهدای تخمک یکی از روش‌های لقاح مصنوعی است که علاوه بر مسائل پزشکی از منظر فقهی و حقوقی نیز دارای ابعاد و ابهاماتی است که نیازمند بحث و بررسی است. یکی از ابعاد و ابهامات موجود در این زمینه نفقه و ارث کودک حاصل از تخمک اهدایی است. از منظر فقهی و حقوقی، بیشتر حقوق و تکالیف اشخاص حقیقی، برای نوزادان حاصل از تلقیح نیز وجود دارد، بدون آنکه ثبوت رابطه نسبی برای آنان یا مشروعیت نسب مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله، حقوق مربوط به شخصیت (مانند حق حیات، حق انسان بر حیثیت و عواطف خود، حقوق اساسی و آزادی‌های فردی)، اهلیت تمتع (برخوردار شدن از حق)، حق مطالبه خسارت و ایجاد مسئولیت مدنی و حق برخوردار شدن از وقف و هبه و وصیت. در این نوع حقوق، نوزاد ناشی از تلقیح با نوزاد عادی تفاوتی ندارد؛ ولی برقرار شدن پاره‌ای از حقوق و تکالیف منوط به ثبوت نسب و از آثار قرابت نسبی است؛ از جمله نفقه و توارث که موضوع بررسی مقاله حاضر است. در زمینه وضعیت فقهی و حقوقی کودکان حاصل جنین اهدایی و لقاح مصنوعی تحقیقات زیادی انجام شده است. مهدوی‌کنی و دیگران (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای، احکام فقهی-حقوقی کودکان ناشی از اهدای جنین، موضوع ماده ۳ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور را بررسی کرده‌اند. عباسی و رضایی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای اهدای جنین از منظر فقه و حقوق پزشکی را به صورت تطبیقی بررسی کرده‌اند. خدایی‌نژاد زنجیرآباد (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای خلاهای قانونی و مبانی فقهی حاصل از اهدای جنین در حقوق داخلی ایران و حقوق کامن لا را بررسی کرده است. با توجه

به موارد مذکور، بحث ارث و نفقه کودک حاصل از تخمک اهدایی مورد توجه قرار نگرفته است و تمرکز پژوهش‌های انجام‌شده اغلب بر ابعاد حقوقی جنین اهدایی متمرکز است. در مقاله حاضر تلاش شده است تا مسئله نفقه و ارث کودک حاصل از تخمک اهدایی از منظر فقهی-حقوقی بررسی شود و پرسش اساسی این است که وضعیت نفقه و ارث کودک حاصل از تخمک اهدایی چگونه است؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که نفقه کودک حاصل از تخمک اهدایی بر عهده زوج متقاضی است و رابطه نسب و ارث میان صاحب تخمک و کودک حاصل از تخمک اهدایی برقرار است. به منظور پاسخ به پرسش مورد اشاره ابتدا بحث نظری بررسی شده است و در ادامه از رویکرد فقه به ارث کودک حاصل از تخمک اهدایی و در نهایت نفقه آن بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها: یافته‌های تحقیق چنین است که از منظر فقه و حقوق صرفاً بین صاحب تخمک و کودک حاصله از تخمک‌اهدایی رابطه نسب و ارث برقرار است و نمی‌توان میان صاحب رحم و کودک حاصل از تخمک‌اهدایی رابطه نسب و در نتیجه توارث قائل شد. رابطه توارث از یک‌سو بین طفل و پدر حکمی و از طرف دیگر بین طفل و مادر صاحب تخمک برقرار است. همان‌طور که کودک متعلق به صاحب اسپرم است، بی‌تردید باید جنین را به صاحب تخمک منتسب دانست؛ هرچند کودک را در بدن خویش پرورش نداده است و نزائیده است؛ مادر کودک است. نفقه کودک نیز بر عهده زوج متقاضی تخمک‌اهدایی است.

۵. مفاهیم

در این قسمت مفاهیم بررسی می‌شود.

۵-۱-۱. اهدای تخمک

اهدای تخمک در مواردی توصیه می‌شود که دیگر درمان‌های نازایی برای فرد نتیجه‌بخش نباشد یا

مشکلات نازایی زوجین در مرحله‌ای باشد که دیگر در مان‌های نازایی پاسخ‌گو نباشند. این درمان نازایی که در زنانی با سنین بالا، یائسگی زودرس و اختلالات دیگر که قادر به تولید تخمک نیستند کاربرد دارد، می‌تواند شانس بارداری فرد را بالا ببرد و زوجین را صاحب فرزند کند. اهدای تخمک برای زنانی مناسب است که برخلاف سالم بودن ارگان‌های باروری به-دلیل نداشتن تخمک از امکان باروری محروم هستند. در این افراد تنها راه باروری دریافت تخمک‌اهدایی از یک داوطلب است (غفاری، ۱۳۸۲، ۱۵). شایع‌ترین دلیل استفاده از تخمک‌اهدایی، کیفیت ضعیف تخمک‌ها بر اثر بالا رفتن سن است. با توجه به پژوهش‌های پیشین، از نکته‌های مثبت مادری با تخمک‌اهدایی، این است که زنان گیرنده، تجربه بارداری، زایمان، شیردهی و کاهش بروز مشکلات کروموزومی را خواهند داشت و نیز برای همسر او این امکان را فراهم می‌آورد که فرزندی با ژنتیک خود داشته باشد. زنان گیرنده تخمک‌اهدایی، از دست دادن نسل ژنتیکی خود را از جمله نکته‌های منفی دریافت تخمک‌اهدایی می‌دانند (هوشبرگ، ۲۰۰۷، ۶۳). دریافت ویژگی‌های ژنتیکی فرد دیگر در خانواده، ایشان را با نگرانی‌های زیادی مواجه می‌کند. تصمیم‌گیری بین اهداکننده شناس یا ناشناس، ارتباط اهداکننده در آینده، به‌ویژه در اهدا به‌صورت شناس و مبهم بودن گذشته ژنتیکی فرزند حاصل در اهدای ناشناس، از موضوعاتی هستند که زنان گیرنده تخمک‌اهدایی به آن‌ها اشاره کرده‌اند. در روش اهدای تخمک، اهداکننده تخمک تحت درمان داروهای محرک تخمک‌گذاری قرار می‌گیرد؛ سپس مانند روش باروری مصنوعی، تخمک‌ها جمع‌آوری می‌شود و در مجاورت اسپرم همسر فرد گیرنده

تخمک قرار داده می‌شود تا لقاح در محیط آزمایشگاه صورت گیرد.

۵-۱-۲. نسب

به لحاظ لغوی، نسب به معنی خویشاوندی، قرابت، نژاد و اصل (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۴۲۴؛ معلوف، ۱۳۶۵، ج ۵، ۳۴۲) و رابطه و علاقه بین دو انسان معنا شده است (البستانی، ۱۳۶۶، ۴۵). نسب برادری، پیوند نسبی میان دو تن، اعم از زن و مرد که توسعاً به پیوند عمیق دینی و عاطفی نیز دلالت می‌کند. صاحب جواهر در تعریف نسب می‌نویسد: «نسب عبارت است از منتهی شدن ولادت شخصی به دیگری مانند پدر و پسر یا انتهای ولادت دو شخص به ثالث، مانند دو برادر و پدر» (نجفی، ۱۳۹۴، ج ۳۹، ۷). از دید برخی حقوق دانان (امامی، ۱۳۷۷، ج ۵، ۱۵۱): «نسب مصدر است و به معنی قرابت و خویشاوندی می‌باشد» و نیز: «نسب امری است که به واسطه انعقاد نطفه از نزدیکی زن و مرد به وجود می‌آید. از این امر، رابطه طبیعی خونی بین طفل و آن دو نفر که یکی پدر و دیگری مادر باشد موجود می‌گردد». ایرادی که در این تعریف مربوط به نسب دیده می‌شود این است که نسب را به امر حاصل از انعقاد نطفه از زن و مرد و ارتباط تکوینی و واقعی تعریف کرده‌اند و چون در مقام تعریف باید از الفاظ مبهم پرهیز شود، تعریف فوق موجه به نظر نمی‌رسد. دلیل منطبق نبودن مفهوم نسب در تعاریف گوناگون ناشی از نحوه تعریف آن‌هاست. یعنی عده‌ای از حقوق دانان به جای تعریف نسب، قرابت نسبی را تعریف کرده‌اند که نسبت به نسب دامنه گسترده‌تری دارد و با آن متفاوت است. بر اساس قانون مدنی، افراد

با یکدیگر دارای نوعی از روابط هستند که این روابط سبب ایجاد آثاری خواهد شد. به این نوع روابط، در اصطلاح خویشاوندی یا قرابت گفته می‌شود که انواع مختلفی دارد که قرابت نسبی، قرابت سببی و قرابت رضاعی از جمله انواع قرابت یا خویشاوندی هستند. این در حالی است که نسب به مثابه یک رابطه اعتباری از پیدایش کودک، انتزاع می‌شود و دارای منشأ تکوینی و واقعی است. البته باید توجه داشت که از دید برخی حقوق دانان، نسب رابطه‌ای عرفی است که در فقه و حقوق اسلامی تحت تأثیر عرف و در قالب رابطه‌ای خویشاوندی ناشی از خون پذیرفته شده است (شهید، ۱۳۷۵، ۱۶). برخی دیگر از حقوق دانان تأثیر عرف بر نسب را جدی و قاطع ندانسته‌اند و تعیین نسب کودک حاصل از تخمک اهدایی را منوط به دخالت قانون گذار دانسته‌اند (صفایی، ۱۳۷۸). با توجه به اینکه هدف تأثیر همیشه بر تدوین قوانین از سوی قانون گذار است، نباید نقش عرف را در تحلیل نسب نادیده گرفت (صفار، ۱۳۸۳، ۲۴۶). تعیین نسب کودک حاصل از تخمک اهدایی به این دلیل اهمیت دارد که با تشخیص نسب کودک می‌توان درباره مسائل مهم دیگر همچون محرمیت، ارث، نفقه، حضانت و غیره نظر دارد.

۵-۱-۳. ارث

در معنای اول، ارث عبارت است از جریان و روند انتقال قهری دارایی فرد فوت شده به ورثه او که با فوت آغاز شده است و پس از پرداخت و خارج کردن دیون و بدهی‌های متوفی، به مرحله نهایی می‌رسد. این معنی از ارث که مترادف تعریف قانونی توارث است، در ماده ۸۶۷ قانون مدنی مورد پیش‌بینی قرار

گرفته است که مطابق آن: «ارث به موت حقیقی یا به موت فرضی مورث تحقق پیدا می‌کند». در معنای دوم، تعریف قانونی ارث یعنی، مالی که بعد از فوت شخص به بازماندگان و وارثان او تعلق می‌گیرد که این معنا از ارث مشابه مفهوم ترکه است. زیرا ترکه عبارت است از همه اموال و حقوق مالی که پس از پرداخت شدن دیون و تعهدات شخص متوفی به بازماندگان یا وارثان شخص تعلق می‌گیرد. از منظر فقها، استحقاق مال یا حقی با مرگ دیگری یا آنچه در حکم مرگ است با شرایط و ملاک‌های خاص را ارث گویند (نجفی، ۱۳۹۴، ج ۳۹: ۷). تعریف یادشده، تعریف «ارث» به مفهوم مصدری است. مفهوم اسمی آن عبارت است از دارایی و حقوقی که فرد با مرگ دیگری یا آنچه در حکم مرگ است مانند ارتداد، مستحق می‌شود. مسئله ارث از جمله مسائل مربوط به تحکیم روابط خانوادگی است. ارث تنها به منظور اینکه احترام کار تولیدکننده محفوظ بماند و محرک و مشوق شخص در حال حیات باشد و وراثت امتداد وجود او هستند، وضع نشده است، بلکه یک دلیل این است که وسیله استحکام روابط خانوادگی است.

۵-۱-۴. نفقه

یکی دیگر از مواردی که در ماده ۳ قانون اهدای جنین به زوجین نابارور مطرح شده است، مسئله نفقه است. هزینه خوراک و پوشاک و اثاث خانه و مسکن را نفقه گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۵، ۱۴۰۳۷). در اصطلاح نیز نفقه عبارت از مایحتاجی است که برای تمشیت امور مورد نیاز است (صفایی؛ امامی، ۱۳۸۱، ۳۸۰). قانون مدنی ایران در ماده ۱۰۲۴ در تعریف نفقه چنین بیان می‌دارد: «نفقه

اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت، با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق». در اینجا منظور از نفقه، نفقه اقارب است که در نتیجه نسب شکل می‌گیرد و در واقع اثر نسب است. در مبحث مورد نظر، اقارب، بر خویشاوندان نسبی دلالت دارد و منظور از اقارب، خویشاوندان سببی و رضاعی نیست؛ زیرا درباره این نوع از خویشاوندان، تکلیف به انفاق وجود ندارد. به عبارت دیگر نفقه اقارب فقط بین اشخاصی وجود دارد که بعضی از آنها از بعضی دیگر، بی‌واسطه یا باواسطه به دنیا آمده‌اند (صفایی؛ امامی، ۱۳۸۱، ۳۸۰). تکلیف به پرداخت نفقه تکلیفی اخلاقی و مربوط به دستگیری از خویشان نزدیک است و این تکلیف، تعهدی متقابل است و در صورتی محقق می‌شود که انفاق‌کننده توانگر و طلبکار او نیازمند باشد. بستگان خط عمودی نزولی مثل فرزند و نوه بر بستگان خط عمودی صعودی مثل پدر و مادر اولویت دارند. نفقه فرزند بر عهده پدر است. در صورت استطاعت نداشتن پدر نوبت به جد پدری می‌رسد و در صورت استطاعت نداشتن او نوبت به مادر فرزند می‌رسد. مطابق ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی: «نفقه اولاد بر عهده پدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق به عهده اجداد پدری است، با رعایت الاقرب فالاقرب. در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است. هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به انفاق نباشد، با رعایت الاقرب فالاقرب، به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب‌النفقة است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند، نفقه را باید به حصه متساوی تأدیه کنند». نفقه فرزندان به محض تولد تا سن ۱۸ سالگی فرزند ذکور

و تا مادامی که دختر ازدواج می‌کند به عهده پدر است.

۵-۲. ارث کودک حاصل از تخمک اهدایی

برای تبیین ارث کودک حاصل از تخمک اهدایی لازم است بحث نسب آن بررسی شود. در باب نسب مادری کودک حاصل از تخمک اهدایی آرای گوناگونی وجود دارد. بر پایه یک نظریه که ملاک انتساب فرزند به مادر را بارداری (حمل) می‌داند (خویی، ۱۴۲۳-۱۴۱۶، ۴۲)، کودک به مادر جانشین انتساب می‌یابد؛ ولی اگر معیار تحقق یافتن نسب مادری منشأ ژنتیکی آن باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۴، ج ۲، ۵۷۶)، نوزاد به صاحب تخمک منسوب می‌شود و مادر جانشین، بنابر نظر برخی فقها، در حکم مادر رضاعی کودک است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲، ۶۱۰). بنابراین، اگر جنین یا تخمک بارور شده در رحم مصنوعی پرورش یابد نیز به صاحب تخمک قابل انتساب است (خرازی، ۱۳۷۹، ۱۲۵-۱۲۶). بعضی فقها فراهم آمدن سه عامل تخمک و بارداری و ولادت را در یک مادر، ملاک نسب مادری شمرده‌اند و هیچ‌یک از دو نفر را مادر نوزاد نمی‌دانند (خطیب، ۱۴۱۸، ۱۵۵). در برابر ایشان، نظری دیگر وجود دارد که بر پایه آن، هم صاحب تخمک و هم صاحب رحم، مادر مشروع نوزاد هستند (موسوی اردبیلی، ۱۳۷۷، ج ۱، ۴۰۷). برخی دیگر هر دو را در حکم مادر رضاعی دانسته‌اند (رضانیا معلم، ۱۳۸۰، ۳۱۷-۳۶۲). فرضی دیگر این است که تخمک لقاح یافته در رحم زن دیگری کشت شود. درباره نسب مادری نوزاد حاصل، آرای زیادی مطرح شده است؛ از جمله اینکه اگر صاحب تخمک ناشناخته باشد، نوزاد مجهول النسب

خواهد بود (منتظری، ۱۴۱۳، ۸۸). در این نظر، نوزاد همواره به صاحب تخمک منتسب می‌شود و صاحب رحم فقط با او محرمیت می‌یابد (خرازی، ۱۴۲۰/۲۰۰۰). در ادامه وضعیت ارث کودک حاصل از اهدای تخمک بررسی می‌شود.

۵-۲-۱. نظریه مادر بودن صاحب تخمک

یکی از دیدگاه‌های مهم در این باره نظریه مادر بودن صاحب تخمک است. با توجه به اینکه منشأ به وجود آمدن جنین عبارت از دو سلول جنسی نر و ماده است؛ بنابراین باید به اصل و ریشه به وجود آمدن طفل توجه شود و چون سلول جنسی از تخمک زن صاحب تخمک به وجود آمده است، همانند زناشویی‌های طبیعی در این مورد نیز مادر واقعی طفل، زن صاحب تخمک است و زن صاحب رحم به دایه‌ای می‌ماند که مولود حاصل از خون و ژن دیگری را پرورش می‌دهد. اعم از اینکه، این پرورش جنین در دامن داخلی زن یعنی رحم او باشد و یا دامن خارج از رحم او باشد (شهیدی، ۱۳۷۵، ۱۶۶). زیرا نگهداری جنین در رحم همانند نگهداری کودک پس از تولد او است و همچنان که زن مرضعه یا حاضنه مادر واقعی طفل نیستند، زن صاحب رحم نیز که طفل از تخمک او به وجود نیامده است، مادر حقیقی طفل نمی‌تواند باشد. بنابراین بین زن صاحب رحم و طفلی که متولد می‌شود، نسب قانونی و شرعی برقرار نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۴۶۶؛ صانعی، ۱۳۹۶، ج ۲، ۱۳۲۳). آیت‌الله مکارم شیرازی فتوا داده است که: «استفاده از نطفه بیگانه برای صاحب فرزند شدن جایز نیست و تولد فرزند باید مستند به ازدواج صحیح شرعی باشد؛ ولی اگر چنین

عملی انجام شود، فرزند متعلق به صاحبان نطفه است و نسبت به مادری که در رحم او کشت شده نیز محرم هست؛ بدون آنکه از او ارث ببرد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۴۶۶). آیت‌الله صانعی هم نظر مذکور را پذیرفته است و قائل به مادر بودن زن صاحب تخمک است؛ ولی وی پدر بودن مرد صاحب نطفه را در صورتی پذیرفته است که از نطفه خود اعراض نکرده باشد (صانعی، ۱۳۹۶، ج ۲، ۱۳۲۳). از بین فقهای معاصر، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله صافی گلپایگانی و تعداد دیگری از فقها نظر مذکور را بیان کرده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای فرموده‌اند: «بچه متعلق به مرد و زن صاحب نطفه است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲، ج ۲، ۱۲۷۵). آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز فرموده‌اند: «فرزند متعلق به صاحبان نطفه است؛ ولی ارث بردن ولد از صاحب نطفه محل اشکال است» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ۵۳). از دیدگاه حقوق دانان نیز در قرابت مادر جانشین، رابطه توارث موجود نیست. اگر زن صاحب تخمک مادر قانونی طفل باشد، در این صورت رابطه وراثت تنها میان طفل و زن صاحب تخمک برقرار می‌شود و هیچ‌گونه رابطه توارث میان کودک و زن صاحب رحم برقرار نخواهد شد. هرچند معتقد باشیم که میان زن صاحب رحم و کودک مزبور رابطه قرابت وجود دارد و زن صاحب رحم به منزله مادر رضاعی طفل است. زیرا قرابت مادر جانشین از حیث آثار نسب مانند قرابت خویشاوندی نیست و فقط از جهت ممنوعیت نکاح همانند قرابت نسبی است. بنابراین در قرابت مادر جانشین، رابطه توارث موجود نیست (صفایی و دیگران، ۱۳۸۵، ۴۳). طفل متولد از اهدای تخمک به پدر و مادر ژنتیکی خود یعنی اهداکننده تخمک منتسب است و نسب قانونی تنها در رابطه با آن‌ها

برقرار می‌شود؛ نه متقاضی تخمک (حسنی، ۱۳۹۱، ۲۵).

بر اساس آنچه گفته شد مادر حکمی، مادر قانونی کودک است بنابراین رابطه توارث بین مادر صاحب تخمک و کودک حاصل از جایگزینی رحمی برقرار می‌شود و فرقی نمی‌کند که برای بانوی صاحب رحم، قرابت نسبی قائل باشیم یا نباشیم. به هر حال رابطه رحمی بین کودک و مادر جانشین تنها سبب محرمیت و حرمت نکاح می‌شود نه ارث. از سوی دیگر اصل بر این است که هر فرد یک پدر و یک مادر دارد و خلاف اصل است که برای کودکی دو مادر در نظر بگیریم و مادر اصلی کودک، کسی است که تخمک از اوست و فرزند از نظر ژنتیکی مشخصات مادر و پدری را دارد که نطفه از آنان است (باقری‌نسب، ۱۳۹۷، ۱۶۷). در نتیجه طفل حاصل از جایگزینی رحمی از مادر قانونی خود که همان مادر صاحب تخمک است ارث می‌برد؛ درحالی‌که هیچ رابطه توارثی بین او و بانوی صاحب رحم برقرار نیست. اما بین طفل و صاحب اسپرم در جایگزینی رحمی، هیچ شکی در رابطه با توارث وجود ندارد و بین طفل و صاحب اسپرم توارث برقرار است.

البته به نظریه مادر بودن زن صاحب تخمک می‌توان ایراداتی وارد دانست. ایراد نخست اینکه قیاس اسپرم مرد با تخمک زن از جهت انتساب طفل به آن‌ها قیاس دقیقی نیست. زیرا جنین بدون رحم امکان رشد و نمو ندارد و مانند رابطه پدر با کودک نیست که بعد از دادن سلول جنسی دیگر نقسی در تکوین کودک ندارد. اگر رحم در کار نباشد و سلول‌های جنسی زن و مرد در خارج از رحم تلقیح شود و به‌طور آزمایشگاهی تا تولد او در خارج از رحم رشد و نمو

رحم را در عرف و شرع مادر و فرزند تلقی کرد و این اعتقاد وجود داشته باشد که بین وی و کودک حاصل از تخمک اهدایی رابطه و اشتراک خونی وجود دارد، نوعی قرابت نسبی برقرار می‌شود و یکی از شرایط و موجبات ارث، وجود قرابت نسبی است. بر این اساس، کودک و مادر اجاره‌ای از هم ارث می‌برند. در این فرض دربارهٔ نسب مادری فرضی داده شده است و آن انتساب فرزند حاصل از رحم جایگزین به مادر جانشین و مادر حکمی است. طبق مادهٔ ۸۶۵ قانون مدنی اگر در کسی موجبات متعددهٔ ارث جمع شود از تمامی آن‌ها ارث می‌برد. بدین ترتیب هر کس که «هر یک از اقسام خویشاوندی مذکور در قانون مدنی را که موجب ارث است داشته باشد به لحاظ هر خویشاوندی نصیب خود را طبق قانون مدنی از ترکه می‌برد. زیرا قانون هر یک از آن روابط را به تنهایی از موجبات ارث شناخته است» (امامی، ۱۳۷۵، ج ۳، ۱۷۷). این مسئله به نوبهٔ خود مشکلاتی را پیش می‌آورد؛ از آن جمله اینکه آیا سهم یک مادر بین آنان تقسیم می‌شود یا خیر؟ اما در مقابل «اگر مادر اجاره‌ای را مادر نسبی به معنی عرفی و قانونی ندانیم و او را در حکم مادر رضاعی کودک محسوب کنیم، از جهت حرمت نکاح مانند مادر فرزند محسوب می‌شود؛ ولی قرابت نسبی که موجب تحقق ارث بین آنان شود، تحقق نیافته است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ج ۱، ۸۵). بنابراین شرایط قانون ارث میان آن‌ها ایجاد نشده است و از یکدیگر ارث نمی‌برند. در نتیجه، جانشینی رحمی بین کودک و مادر اجاره‌ای فقط سبب ایجاد رابطهٔ محرمیت و حرمت نکاح می‌شود و سببی برای ارث نخواهد بود و کودک حاصل از جایگزینی رحمی از مادر جانشین ارث نخواهد برد.

پیدا کند، در این صورت قیاس اسپرم با تخمک درست خواهد بود. ایراد دوم اینکه نمی‌توان تأثیر رحم و تغذیه و استراحت و رفتار زن صاحب رحم را در تکون کودک و سلامتی و شخصیت آیندهٔ او انکار کرد. ایراد سوم اینکه ملاک مادر بودن از دیدگاه عرف و به ویژه عرف عام، به وجود آمدن کودک از تخمک زن نیست؛ بلکه حمل و ولادت کودک و بارداری او تا تولد در نگاه عرف می‌تواند زن صاحب رحم را نیز شامل شود.

۵-۲-۲. بررسی توارث بین کودک و صاحب رحم

طبق این نظریه مادر جانشین و مادر حکمی هر دو مادر قانونی طفل هستند. بر این اساس، برخی فقها به دو مادری یعنی هم مادر بودن صاحب تخمک و هم مادر بودن صاحب رحم اعتقاد دارند (موسوی اردبیلی، ۱۳۷۷؛ مرقاتی، ۱۳۸۳، ۱۴۳). از دید آن‌ها نسب امری اعتباری است که مبنی بر عرف است و حقیقت شرعیه ندارد. برخی از حقوق دانان نیز چنین دیدگاهی دارند. از دید آن‌ها: «هر دو امر واقعی و نفس‌الامر می‌تواند منشأ اعتباری باشد. یعنی هم صاحب تخمک و هم رحمی که جنین را در رحم خویش پرورش داده است منشأ اعتبارند و هر دو مادر طفل به شمار می‌آیند و اشکالی بر آن مترتب نیست» (قربان‌نیا، ۱۳۸۲: ۵۶). آنچه از استدلال‌های فوق می‌توان برداشت کرد این است که هر دو مادر، مادر واقعی طفل هستند. در این صورت چگونگی تحقق توارث بین طفل در آن واحد با دو مادر، مطلبی نیازمند بررسی است. اگر بتوان فرزند حاصل از رحم جایگزین را به مادر جانشین انتساب داد و صاحب

البته در قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲ از محرمانگی اهدای تخمک و جنین سخنی به میان نیامده است. اما در آئین‌نامه اجرایی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۳ به این موضوع اشاره شده است. مطابق ماده ۳ این آئین‌نامه: «اهدای جنین باید با موافقت و رضایت کتبی زوج‌های اهداکننده و در مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری، با احراز هویت آنان و به‌صورت کاملاً محرمانه انجام گیرد».

به‌هرحال این پرسش همچنان باقی است که آیا محرمانه بودن اهداکننده تخمک در توارث کودک حاصل از تخمک اهدایی تأثیرگذار است؟ آیا می‌توان گفت چون اهداکننده تخمک ناشناس است، به همین دلیل نمی‌توان میان کودک حاصل از تخمک اهدایی و صاحب تخمک رابطه توارث برقرار کرد؟ «در فرض سؤال، اگر صاحب رحم را مادر بدانیم، حل مشکلات توارث میان کودک و مادر و خویشاوندان مادری او ساده و آسان خواهد بود؛ ولی اگر زن صاحب تخمک را مادر طفل تلقی کنیم، مسئله پیچیده‌تر خواهد بود؛ زیرا فقط میان صاحب اسپرم و تخمک (بنابر اختلاف مبانی) و کودک رابطه طبیعی و تکوینی وجود دارد و نسب نیز میان آنان ثابت است. لذا زوج فاقد اسپرم یا زوجه فاقد تخمک که گیرنده جنین اهدایی هستند، پدر و مادر کودک به‌شمار نمی‌آیند تا رابطه توارث میان آن‌ها ثابت شود. در این صورت چگونه می‌توان کودک مزبور را از طریق قانونی از میراث والدین حکمی خود بهره‌مند ساخت؟» (صفایی؛ علوی قزوینی، ۱۳۸۵، ۴۶). برخی در پاسخ به پرسش مذکور، این راه‌حل ارائه کرده‌اند: «راه‌حلی که وجود دارد و می‌تواند شبهه ارثی را از جانب پدر و مادر حکمی نسبت به کودک به وجود آورد، این روش

این رویکرد با مخالفت‌هایی نیز مواجه است. مخالفان به عبارت «يَحْفَظُونَ فُرُوجَهُنَّ» در آیه ۳۱ سوره نور (۱) «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ» در آیات ۵ تا ۷ سوره مؤمنون (۲) و آیه ۲۳ سوره نسا (۳) استناد می‌کنند و بر این باور هستند که باید فروج زنان پاک نگه داشته شود. اصل پاک نگه داشتن فروج زنان هم نگاه و لمس را شامل می‌شود هم اینکه در اختیار کسی دیگر قرار گیرد تا محل رشد و نمو جنین حاصل از تخمک اهدایی باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ۴۶۶؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ۵۳). انتقاد و ایراد مهم به این دیدگاه این است که پاک نگه داشتن فروج زنان بر زنا نکردن و کار حرام دلالت دارد و با شرایط رحم اجاره‌ای کامل متفاوت است و آیات مورد اشاره قابل تعمیم به رحم اجاره‌ای نیست. به‌نظر می‌رسد این ایراد منطقی است.

۴-۲-۵. نامعلوم بودن اهداکننده تخمک و تأثیر آن بر وراثت

یکی از قواعدی که اغلب در اهدای تخمک رعایت می‌شود، شناسا نبودن اهداکننده و گیرنده تخمک است. در واقع اهدای تخمک باید محرمانه و یا به تعبیری بی‌نام باشد (صفایی، ۱۳۸۳، ۷۱). زیرا زوجین دوست ندارند پس از اهدای تخمک و تولد فرزند، ارتباطی بین اهداکننده و فرزند اتفاق بیفتد. بر همین اساس، رعایت محرمانگی مهم‌ترین اصل در انجام عمل اهدای تخمک است. اطلاع نیافتن کودک حاصل از باروری از هویت پدر و مادر ژنتیکی خود، ناشناس بودن متقابل اهداکننده و اهداگیرنده با همدیگر و محرمانه بودن فرآیند پزشکی از جمله اصولی هستند که بسیار بر آن‌ها تأکید شده است.

است که بعد از اهدای تخمک و انعقاد نطفه در رحم، در ضمن یک عقد لازم دیگر، گیرندگان اسپرم یا تخمک متعهد شوند که حضانت بچه و نفقه او بر عهده آنان خواهد بود و آنان ملزم باشند وصیت کنند که این کودک به اندازه سهم یکی از وراثت در طبقه اول در حد ثلث سهم ببرد». البته بر اهل دقت پوشیده نیست که «اصل وصیت از عقود جایز است، ولیکن با آوردن آن به عنوان شرط عقد لازم، لازم خواهد شد» (قبله‌ای خویی، ۱۳۸۰، ۲۳۰).

هرچند استفاده از روش فوق به منظور تأمین آینده مالی فرزندان متولدشده از طریق انتقال جنین، مناسب است؛ ولی این روش حداکثر تا میزان ثلث دارایی زمان فوت می‌تواند کارساز باشد. بر این اساس، استفاده از دیگر راه‌حل‌ها، از قبیل از صنعت بیمه یا راه‌حل‌های قراردادی؛ مانند شرط هبه اموال در زمان حیات به صورت شرط نتیجه و یا ایجاد مدیونیت به نفع طفل در زمان حیات و غیره می‌تواند مؤثر باشد و در آئین‌نامه و یا اصلاحات آینده قانون باید مورد نظر قرار گیرد.

۵-۳. نفقه کودک حاصل از تخمک اهدایی

برابر با مواد قانون مدنی، پرداخت نفقه به عهده پدر قانونی یا ژنتیکی (صاحب اسپرم) و در درجه بعد اجداد پدر و سپس مادر قانونی یا ژنتیکی (صاحب تخمک) و در نهایت اجداد پدری وی است. ولی از آنجاکه اهداکنندگان جنین هیچ‌گونه قصدی برای داشتن فرزند و نگه‌داشتن او و پرداخت هزینه‌های وی در زمان اهدای جنین نداشته‌اند در این حالت استثنا برای تکلیف پرداخت نفقه به طفل باید به قوانین مشابه رجوع کرد. در این باره قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۴ از قوانینی

است که می‌توان از آن مساعدت کرد. فرزندخواندگی با صدور حکم سرپرستی از طرف دادگاه آغاز می‌شود. از این تاریخ کودک پذیرفته می‌شود و در حکم فرزندخوانده است. زن و شوهر پذیرنده باید مانند پدر و مادر مشروع، به نگاه‌داری و تربیت کودک بی‌سرپرست اقدام کند. درباره روابط طفل و خانواده سرپرست چنین آمده است: «وظایف و تکالیف سرپرست و طفل تحت سرپرستی او، از لحاظ نگاه‌داری و تربیت نفقه و احترام، نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر است». ذکر این نکته ضروری است که الزام به انفاق تنها در روابط زوجین و سرپرست کودک به وجود می‌آید و فرزندخوانده با اجداد و فرزندان و نواده‌های سرپرست خود هیچ نسبتی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۲، ۳۹۵). در ماده ۳ قانون اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲ آمده است: «وظایف و تکالیف زوجین اهداکننده جنین و طفل متولدشده از لحاظ نگاه‌داری و نفقه و احترام، نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است». این ماده برگرفته از ماده ۱۱ قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست است و نیز تکلیف الزام به انفاق را به خوبی مشخص می‌کند. بنابراین با وحدت ملاک از قوانین فوق در حالت اهدای تخمک می‌توان با اخذ مجوز از دادگاه الزام به انفاق طفل حاصله را بر عهده زوج متقاضی فرزند و در صورت نبودن و یا استطاعت نداشتن وی، پرداخت نفقه طفل را بر عهده زوجه وی (زوجه متقاضی اهدای تخمک) قرار داد.

در صورت وجود شرایط گفته شده و امتناع پدر یا فرد ملزم به انفاق، فرزند حاصل از تلقیح مصنوعی یا تحت سرپرستی می‌تواند از دادگاه الزام فرد به پرداخت نفقه‌اش را بخواهد. از سوی دیگر پرداخت نکردن نفقه

چنین اشخاصی نیز جرم است و مرتکب یا همان امتناع‌کننده به مجازات حبس محکوم خواهد شد. قانون‌گذار در ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده بیان کرده است: «هر کس با داشتن استطاعت مالی، از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه خود امتناع کند به حبس تعزیری درجه ۶ محکوم می‌شود. این در حالی است که مطابق تبصره ماده موصوف، امتناع از پرداخت نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی نیز مشمول مقررات ماده موصوف هستند.

تکریم فرزند و احترام به او توسط والدین و احترام فرزند به والدین و تبعیت او از آنان یکی از اصول اخلاقی مؤثر در بقای جوامع است که مورد تأکید دین مبین اسلام نیز قرار گرفته است. در مقابل، فرزندان نیز مکلف به تبعیت از والدین و احترام به آنان هستند و حتی قرآن کریم، فرزندان را از افت گفتن به والدین منع کرده است و خیلی از فقها، هرگونه بی‌حرمتی به والدین را در حکم عاق والدین شدن و از گناهان کبیره دانسته‌اند.

پیش‌تر اشاره شد که نفقه عبارت است از آن چیزی که بذل (بخشش) و صرف می‌شود. در نتیجه، مسکن، البسه، غذا، اثاث خانه به‌قدر رفع حاجت، هزینه بهداشت و درمان، رفت‌وآمد و غیره را نیز شامل می‌شود. نفقه از جمله حقوق قانونی افرادی است که به‌طور قانونی اتفاق آنان از وظایف دیگر افراد است. برای مثال مرد مکلف به پرداخت نفقه همسر غیر ناشزه خود است. همچنین مرد مکلف به پرداخت نفقه فرزند یا فرزندان خود یا پدر و مادر نیز خواهد بود. یکی از افراد واجب‌النفقه‌ای که قانونی نفقه به او تعلق خواهد گرفت و متعاقباً امکان الزام به پرداخت

نفقه در حقش وجود خواهد داشت، فرزند حاصل از تلقیح مصنوعی است. کودکانی که تحت سرپرستی خانواده‌ای قرار می‌گیرند نیز از این حق قانونی بهره‌مند هستند. این در حالی است که تکلیف خودداری از پرداخت و ادای این حق قانونی در حق صاحبان آن، توسط قانون‌گذار پیش‌بینی و برای آن ضمانت اجرایی نیز در نظر گرفته شده است. اگر پدر فقط فرزند را پرداخت نکند و مستطیع هم باشد قانون‌گذار تا ۶ ماه حبس برای او در نظر گرفته است که در ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی اسبق از ۳ ماه و یک روز تا یک سال حبس تعیین کرده بود. در قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ میزان حداکثر مجازات را تا ۶ ماه تعیین کرده است.

۶. نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد از دیدگاه فقه و حقوق میان صاحب تخمک و کودک حاصل از تخمک‌اهدایی رابطه نسب و لذا ارث برقرار است. از آنجاکه در بیان رابطه توارث بین طفل و مادر، مادر حکمی، یعنی مادر صاحب تخمک مادر قانونی طفل است، رابطه توارث بین طفل و وی برقرار است. زیرا در این موضوع یکی از پایه‌های اصلی تشکیل جنین، تخمک است و زن صاحب رحم اجاره‌ای، صاحب تخمک نیست و فقط محل و ظرفی برای پرورش و رشد جنین است. بر این اساس رحم اجاره‌ای شبیه لوله آزمایش یا دستگاه دیگری است که جنین در آن دستگاه رشد می‌کند و این دستگاه در عرف و اصطلاح، مادر کودک تلقی نخواهد شد. در واقع از منظر فقه و حقوق ایران نسب برمبنای ژن تعیین می‌شود و در هرچند تخمک پس از انتقال به مالکیت زن و شوهر متقاضی درآمده باشد، هنوز نسب به اهداکننده تخمک برمی‌گردد. بنابراین مشکل

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر میکنیم.

۸. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش، تضاد منافی وجود ندارد.

پی‌نوشت‌ها

(۱) قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ «ای رسول ما زنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها و فروج و اندامشان را محفوظ دارند».

(۲) الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ، فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ؛ «آنان که فروج و اندامشان را از عمل حرام نگاه می‌دارند، مگر بر جفتهایشان یا کنیزان ملک یمین آنها که هیچ گونه ملامتی در مباشرت این زنان بر آنها نیست. و کسی که غیر این زنان حلال را به مباشرت طلبد البته ستم‌کار و متعدی خواهد بود» (مؤمنون، ۵-۷).

(۳) حُرْمَتُ عَلَیْکُمْ أَمْهَاتِکُمْ وَ بَنَاتِکُمْ وَ أَخَوَاتِکُمْ وَ عَمَاتِکُمْ وَ خَالَاتِکُمْ وَ بَنَاتُ الْأَخِ وَ بَنَاتُ الْأُخْتِ وَ أَمْهَاتِکُمُ اللَّاتِی أَرْضَعْنَكُمْ وَ أَخَوَاتُکُمْ مِنَ الرِّضَاعِ وَ أَمْهَاتُ نَسَائِکُمْ وَ رَبَائِبُکُمُ اللَّاتِی فِی حُجُورِکُمْ مِنْ نَسَائِکُمُ اللَّاتِی دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ

همچنان وجود دارد؛ مگر آنکه از نظر فقهی پذیرفته شود که با انتقال تخمک، نسب نیز به زن متقاضی منتقل می‌شود و تا زمانی که بازاندیشی در حوزه فقه و حقوق در این باره صورت نپذیرد، روندی که امروزه در حال انجام است، با معضلات جدی حقوقی و شرعی همراه است. فرزند حاصل با صاحب تخمک و اسپرم ارتباط نسبی پیدا می‌کند و چون ارث بر پایه نسب ایجاد می‌شود، بین او و صاحبان سلول‌های جنسی رابطه توارث برقرار می‌شود. این در حالی است که بر پایه رویه شکل گرفته، اطلاعات مربوط به صاحب تخمک محرمانه باقی می‌ماند و در اختیار زن و مرد متقاضی قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین نسب مادری طفل گم می‌شود و رابطه توارث میان آنها گرچه برقرار است اما قابلیت اجرا نخواهد داشت. از سوی دیگر، چون شناسنامه فرزند حاصل به نام زن و مرد متقاضی صادر می‌شود، وی با زن متقاضی رابطه توارث پیدا می‌کند؛ درحالی که بر پایه دانسته‌های فقهی و حقوقی این دو نفر از یکدیگر ارث نمی‌برند. درباره نفقه کودک حاصل از تخمک اهدایی نیز نتایج نشان داد که یکی از افراد واجب‌النفقه‌ای که قانونی نفقه به او تعلق خواهد گرفت و متعاقباً امکان الزام به پرداخت نفقه در حقش وجود خواهد داشت، فرزند حاصل از تخمک اهدایی و تلقیح مصنوعی است که بر عهده زوج متقاضی و پذیرنده تخمک اهدایی است. قانون‌گذار در راستای حمایت خود از پدیده تلقیح مصنوعی که از ابداعات نوین علم پزشکی و قدمی در راستای حفظ کانون خانواده است، خودداری از پرداخت نفقه به فرزند ناشی از تلقیح مصنوعی یا تحت سرپرستی را جرم و قابل مجازات دانسته است.

۷. تقدیر و تشکر

فلا جناح علیکم و حلالیل أبنائکم الذین من أصلابکم
و إن تجمعوا بین الأختین إلا ما قد سلف إنَّ الله کان
غفوراً رحیمًا؛ «حرام شد برای شما ازدواج با مادر و
دختر و خواهر و عمه و خاله و دختر برادر و
دخترخواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و
مادرزن و دختران زن که در دامن شما تربیت شده‌اند،
اگر با زن مباشرت کرده باشید و اگر دخول با زن
نکرده‌اید باکی نیست که ازدواج کنید و نیز حرام شد
زن و فرزندان صلبی و نیز حرام شد جمع میان دو
خواهر مگر آنچه پیش‌ازاین انجام داده‌اید. به‌راستی
خداوند آمرزنده و مهربان است» (نساء، ۲۳).

فهرست منابع

فارسی

- روشن، محمد، «بررسی فقهی اهدای گامت و جنین»، مقاله ارائه شده در دومین سمینار کشوری اهدای گامت و جنین دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- شهیدی، مهدی، مجموعه مقالات حقوقی، چاپ اول، تهران، نشر حقوق دان، ۱۳۷۵.
- صانعی، یوسف، استفتاعات پزشکی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، فقه الثقلین، ۱۳۹۶.
- صفار، محمدجواد، «قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور در بوته نقد و تحلیل»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره سی و نهم، ۱۳۸۳.
- صفایی، سیدحسین؛ علوی قزوینی، سیدعلی، «ارث کودکان آزمایشگاهی»، نشریه اندیشه‌های حقوقی، شماره یازدهم، ۱۳۸۵.
- صفایی، سیدحسین؛ امامی اسدالله، منحصر حقوق خانواده، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱.
- صفایی، حسین، «مسائل فقهی-حقوقی انتقال جنین»، فصلنامه باروری و ناباروری پژوهشکده ابن سینا، شماره چهارم، ۱۳۷۸.
- صفایی، سید حسین، «تولیدمثل مصنوعی با کمک پزشکی و انتقال جنین در حقوق ایران و فرانسه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره شصت و چهارم، ۱۳۸۳.
- عباسی، محمود؛ رضایی، راحله؛ «مطالعه تطبیقی اهدای جنین از منظر فقه و حقوق پزشکی»، مجله حقوق پزشکی، شماره بیست و یکم، ۱۳۹۱.
- غفاری، معرفت، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- قبله‌ای خویی، خلیل، علم اصول در فقه و قوانین موضوعه، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰.

- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد سوم، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد پنجم، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.
- باقری‌نسب، تکتیم، رحم جایگزین در درمان ناباروری از دیدگاه پزشکی، فقهی و حقوقی، چاپ اول، تهران، نشر جنگل جاودانه، ۱۳۹۷.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، چاپ سوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶.
- حسنی، علیرضا، «ماهیت فقهی و حقوقی اهدای جنین و تلقیح مصنوعی»، فصلنامه حقوقی قضایی (آئین دادرسی)، شماره‌های پانزدهم و شانزدهم، ۱۳۹۱.
- خامنه‌ای، سیدعلی، اجوبه الاستفتائات، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات هدی، ۱۳۸۲.
- خدایی‌نژاد زنجیرآباد، معصومه؛ «بررسی خلأهای قانونی و مبانی فقهی حاصل از اهدای جنین در حقوق داخلی ایران و حقوق کامن لا»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره دوم، ۱۳۹۴.
- خرازی، سیدمحسن، «التلقیح»، نشریه فقه اهل البيت عليهم السلام، شماره شانزدهم، ۱۴۲۰/۲۰۰۰.
- خرازی، سیدمحسن، «تغییر جنسیت» فصلنامه فقه اهل بیت، شماره بیست و سوم، ۱۳۷۹.
- رضایا معلم، محمدرضا، وضعیت حقوقی (نسب) کودک ناشی از انتقال جنین (در روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق)، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۸۰.

- البستانی، فؤاد افرام، منجد الطلاب، چاپ اول، تهران، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۶۶.

- خطیب، یحیی عبدالرحمن، احکام المراه الحامل فی الاشریعه الاسلامیه، اردن، دارالنفاث، ۱۴۱۸
- خویی، ابوالقاسم، صراط النجاة فی اجوبه الاستفتاءات مع تعلیقات لجواد تبریزی، قم، ۱۴۱۶ - ۱۴۲۳.

- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، جامع الاحکام، جلد دوم، قم، انتشارات حضرت معصومه (ع)، ۱۴۱۹.
- معلوف، لویس، المنجد، افسط، جلد پنجم، تهران، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۵.

- مکارم شیرازی، ناصر، مجموعه استفتاعات، قم، نشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۷.
- منتظری، حسینعلی، الاحکام الشرعیه، قم، نشر نظر، ۱۴۱۳.

- مؤمن، محمد، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، جلد سی و نهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴.
انگلیسی:

-Hershberger, Patricia E., Pregnant, Donor Oocyte Recipient Women Describe Their Lived Experience of Establishing the "Family Lexicon", The Association of Women's Health, Obstetric and Neonatal Nurses, 2007, 161-167.

- قربان‌نیا، ناصر، حکم تکلیفی و وضعی انتقال جنین تکنون یافته از اسپرم و تخمک زن و شوهر قانونی به رحم زن دیگر (روش‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، مجموعه مقالات، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.

- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده اولاد) جلد دوم، چاپ هفتم، تهران، بهمن برنا، ۱۳۸۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد دوم، چاپ چهارم، قم، دارالکتب، تهران، ۱۳۷۵.

- موسوی اردبیلی، عبدالکریم، استفتائات، جلد اول، چاپ اول، قم، انتشارات نجات، ۱۳۷۷.
- موسوی خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، مکتب علمی اسلامی، ۱۳۸۴.

- مهدوی‌کنی، صدیقه؛ احمدوند، بهناز؛ نوراحمدی، انسیه؛ «بررسی احکام فقهی-حقوقی کودکان ناشی از اهدای جنین، موضوع ماده ۳ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور»، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره بیست و یکم، ۱۳۸۹.

- میرهاشمی، سرور، «تلقیح مصنوعی در اندیشه فقهی-حقوقی و مخالفان و موافقان آن»، نشریه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق) شماره سی و ششم، ۱۳۸۳.

عربی

- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، جلد پنجم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
- بحرانی، محمدسند، فقه الطب و التضخم النقدي، بیروت-لبنان، مؤسسه أم القرى للتحقیق و النشر، ۱۴۲۳.